

باسمه تعالی

«درس چهارم پایه یازدهم: جمله بعد اسم نکره»

گاهی اتفاق می افتد که بعد از یک اسم نکره در جمله، فعلی مضارع یا ماضی بیاید.

مانند: رایت رجلاً یمشی مع [مدیقه (مردی را دیدم که همراه دوستش قدم می زد)

➤ همانطور که در مثال بالا مشخص است بعد از اسم نکره «رجلاً» فعل «یمشی» آمده است.

نکته: برای ترجمه این فعل در زبان فارسی از حرف ربط "که" استفاده می شود.

نکته: فعلی که بعد از اسم نکره می آید، صفت برای اسم نکره است؛ زیرا این فعل به وصف ویژگی های اسم نکره می پردازد.

مانند: إرضاء الناس غاية لا تدرك (راضی ساختن مردم هدفی است که به دست آورده نمی شود).

نکته: در مثال بالا می بینید که فعل «لا تدرك» در حکم صفت برای اسم نکره «غایة» است و غایة را توصیف می کند.

ترجمه افعالی که بعد از اسم نکره می آیند:

همانطور که در مثال های بالا ملاحظه کردید، هر عبارت از دو فعل تشکیل شده است. اگر:

(۱) فعل اول ماضی و فعل دوم مضارع باشد، به صورت **ماضی استمراری** ترجمه می شود:

مانند: رایتُ ولداً یمشی بسرعةٍ (پسری را دیدم که به سرعت راه می رفت).



فعل ماضی + فعل مضارع = فعل ماضی استمراری

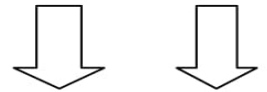
۲) فعل اول مضارع و فعل دوم هم مضارع باشد، به صورت **مضارع التزامی** ترجمه می شود:

مانند: **أفتش عن معجم يساعدني** في فهم الذلّوص (دنبال فرهنگ لغتی می گردم **که** مرا در فهم متون **کمک کند**).

فعل مضارع + فعل مضارع = مضارع التزامی

۳) فعل اول ماضی و فعل دوم هم ماضی باشد، به صورت **فعل ماضی بعید** ترجمه می شود:

مانند: **إشتریتُ کتابا رایته** من قبل (کتابی را خریدم **که** از قبل آن را **دیده بودم**).



فعل ماضی + فعل ماضی = فعل ماضی بعید

۴) فعل اول مصدر و فعل دوم مضارع باشد، به صورت **مضارع استمراری** ترجمه می شود:

مانند: **إرضاء الناس غاية لا تدرك** (راضی ساختن مردم هدفی است **که** به دست آورده نمی شود).



مصدر + فعل مضارع = فعل مضارع استمراری

